

درس آشنایی با رجال و درایه استاد سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۲۶ آذر ۱۳۹۲

مصادف با: ۱۴ صفر ۱۴۳۵

جلسه: ۱۱

موضوع کلی: بررسی وثاقت بعضی روایات مورد اختلاف

موضوع جزئی: ۱- محمد بن سنان

سال: چهارم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

بررسی وثاقت روایات مورد اختلاف

بعد از مباحثی که درباره موضوعات مختلف علم رجال داشتیم که مباحث مهمی هم بود از جمله بحث از مصادر رجالی، مصادر اولیه، مصادر ثانویه، جوامع روایی اولی، جوامع روایی ثانوی، کتب اربعه، توثیقات عامه و خاص، طرق تحمل و نقل روایات بحث جدیدی که به آن خواهیم پرداخت که بحث مهمی است و در استنباط روایات کاربرد زیادی دارد بحث درباره بعضی از اشخاص است که مورد اختلاف واقع شده‌اند که آیا این اشخاص ثقة‌اند یا نه؟ روایات آنها قابل قبول است یا نه؟ بعضی از اشخاص به ضعف شهرت پیدا کرده و مشهور آنها را ضعیف دانسته اما در مقابل عده‌ای آنها را ثقة و معتبر می‌دانند از جمله محمد بن سنان، علی بن ابی حمزه بطائنی، سهل بن زیاد و امثال اینها.

۱- بررسی وثاقت محمد بن سنان

در کتب اربعه بیش از ۱۰۰۰ روایت از محمد بن سنان نقل شده لکن طبق آنچه مرحوم آقای خوبی ادعا کرده در سلسله سند اکثر این روایات که قریب ۸۰۰ مورد است عنوان محمد بن سنان ذکر شده است.<sup>۱</sup> حدود ۴۴۷ مورد است که ابن سنان در سند روایات وارد شده است.<sup>۲</sup> لکن ابن سنان مردد بین دو نفر است؛ یکی محمد بن سنان و دیگری عبدالله بن سنان. لذا با توجه به اینکه نام محمد بن سنان در ۱۰۰۰ روایت از روایات کتب اربعه ذکر شده باید وثاقت یا عدم وثاقت این شخص مورد بررسی قرار گیرد.

در مورد محمد بن سنان اختلاف زیادی واقع شده، مشهور قائل به ضعف او هستند، عده‌ای هم او را مدح کرده و عده دیگر او را قدح کرده‌اند و گروهی هم در مورد او توقف کرده‌اند. نکته مهمتر این است که بعضی از بزرگان علم رجال در مورد او آراء متفاوتی را اظهار کرده‌اند که به آنها اشاره خواهیم کرد؛ مثلاً شیخ طوسی، شیخ مفید، علامه حلی و امثال اینها گاهی محمد بن سنان را مدح کرده و گاهی در مورد او توقف کرده‌اند.

ادله ضعف:

دلیل اول: تضعیف بزرگان علم رجال

اعلام علم رجال مثل شیخ مفید، شیخ طوسی، نجاشی و کشی محمد بن سنان را تضعیف کرده‌اند.

۱. معجم رجال الحدیث، ج ۱۸، ص ۱۴۸.

۲. همان، ج ۲۳، ص ۱۹۸.

#### کلام نجاشی:

نجاشی در ترجمه محمد بن سنان عبارتی را از ابن عقده نقل می‌کند و می‌گوید: «و قال احمد بن محمد بن سعید بن عقده انه روی عن الرضا (ع) قال: و له مسائل عنه معروفه و هو رجلٌ ضعيفٌ جداً لا يعول عليه و لا يلتفت الي ما تفرّد به»؛ محمد بن سنان ضعیف است و نمی‌توان به او اعتماد کرد و به روایتی که فقط از طریق او نقل شده توجهی نمی‌شود، تعبیر «و هو رجلٌ ضعيفٌ جداً» به محمد بن سنان بر می‌گردد لکن بحث در این است که این تعبیر از نجاشی است یا کلام ابن عقده است و نجاشی آن را نقل کرده است لذا دو احتمال در اینجا وجود دارد:

یکی اینکه عبارت «انه روی عن الرضا (ع) قال: و له مسائل عنه معروفه» از ابن عقده باشد اما عبارت «و هو رجلٌ ضعيفٌ جداً لا يعول عليه و لا يلتفت الي ما تفرّد به» کلام خود نجاشی باشد یعنی نجاشی مطلبی را از ابن عقده نقل کرده ولی در ادامه خودش گفته: «و هو رجلٌ ضعيفٌ جداً...».

احتمال دوم این است که عبارت «و هو رجلٌ ضعيفٌ جداً...» عطف به «و له مسائل عنه معروفه» و ادامه آن باشد که در این صورت کل عبارت کلام ابن عقده خواهد بود.

لذا اینجا در حد احتمال می‌توان گفت نجاشی درباره محمد بن سنان گفته «و هو رجلٌ ضعيفٌ جداً» ولی در ترجمه میاح المدائنی به ضعف محمد بن سنان تصریح کرده و می‌گوید: «ضعيفٌ جداً له كتابٌ يعرف برسالةٍ میاح و طریقتها اضعف منها و هو محمد بن سنان»<sup>۱</sup>؛ مدائنی ضعیف است و طریقی که محمد بن سنان است از خودش ضعیف‌تر است.

#### کلام کشی:

کشی در چند موضع مطالبی را پیرامون محمد بن سنان گفته است، یکی مطلبی که از حمدویه نقل کرده: قال حمدويه: «کتبتُ احادیث محمد بن سنان عن ایوب بن نوح و قال لاستحل ان اروى احادیث محمد بن سنان»<sup>۲</sup>؛ حمدویه می‌گوید: من احادیث محمد بن سنان را از ایوب بن نوح نوشته‌ام ولی جایز نمی‌دانم که از احادیثی که محمد بن سنان گفته روایت کنم. درست است که این عبارت تصریح به ضعف محمد بن سنان ندارد لکن مشعر به ضعف اوست و حتی می‌توان گفت ظهور در ضعف محمد بن سنان دارد.

در جای دیگری شبیه مطلب فوق را از محمد بن مسعود نقل می‌کند: قال عبدالله بن حمدويه سمعتُ فضل بن شاذان يقول: «لاستحل ان اروى احادیث محمد بن سنان و ذکر الفضل فی بعض کتبه ان من الکذابين المشهورين ابن سنان و ليس بعبدالله»<sup>۳</sup> اینجا هم از عبدالله بن حمدویه نقل شده که می‌گوید: من از فضل بن شاذان شنیدم که گفت: من جایز نمی‌دانم روایات محمد بن سنان را نقل کنم، چون او از کذابین مشهور است. این جا هم شبیه عبارتی است که سابق بر این ذکر شد لکن

۱. رجال نجاشی، ج ۲، ص ۲۰۸.

۲. همان، ص ۳۷۸.

۳. رجال کشی، ج ۲، ص ۶۸۷.

۴. همان، ص ۷۹۸.

در اینجا اشاره می‌شود که ابن حمدویه از چه کسی این مطلب را شنیده است و بعید نیست که عبارت قبلی هم که حمدویه گفت من جایز نمی‌دانم روایت ابن سنان را نقل کنم بدون ذکر سند این سخن را گفته باشد ولی در عبارت دوم می‌گوید من از فضل بن شاذان شنیدم که گفت: من جایز نمی‌دانم روایات محمد بن سنان را نقل کنم.

کشی در ترجمه مفضل بن عمر بعد از نام بردن گروهی از غلات نیز می‌گوید: «و محمد بن سنان کذلک».<sup>۱</sup> همچنین در ترجمه محمد بن علی صیرفی همان مطلبی را که از فضل نقل کردیم آورده است: «ذكر الفضل فی بعضی کتبه من الکذابین المشهورین ابو الخطاب و یونس بن ظبیان و یزید الصائغ و محمد بن سنان و ابوسمینه اشهرهم».<sup>۲</sup>

کشی در جای دیگری از قول حمدویه می‌گوید: ایوب بن نوح دفتری را به او داد که در آن دفتر احادیث محمد بن سنان نوشته شده بود «فقال لنا: ان شئتم ان تکتبوا ذلک فافعلوا فانّی کتبت عن محمد بن سنان و لکن لاروی لکم انا عنه شیئاً فانه قال قبل موته: کلما حدتکم به لم یکن لی سماعٌ و لاروایة، انما وجدته»<sup>۳</sup> اگر می‌خواهید این احادیث را بنویسید، من اینها را از محمد بن سنان نوشته‌ام اما من از او چیزی را برای شما نقل نمی‌کنم؛ چون محمد بن سنان قبل از مردنش به من گفت هر آنچه من برای شما روایت کردم بی واسطه یا با واسطه از امام (ع) نشنیده‌ام بلکه من این روایات را پیدا کرده‌ام.

البته ضمن اینکه در این مواضع این مطالب را درباره محمد بن سنان گفته مطالبی را هم در مدح این شخص ذکر کرده که بعداً به آن مطالب اشاره خواهیم کرد.

#### کلام شیخ مفید:

شیخ مفید، شیخ طوسی و دیگران هم در قدح محمد بن سنان مطالبی را گفته‌اند؛ مثلاً شیخ مفید در رساله عددیه بعد از آن که روایتی را نقل می‌کند که محمد بن سنان در طریق آن روایت است می‌گوید: «و فی هذه الروایة محمد بن سنان و هو مطعونٌ فیه لا تختلف العصابة فی تهمته و ضعفه»<sup>۴</sup>؛ محمد بن سنان مورد طعن واقع شده و اصحاب در تهمت و ضعف او اختلافی ندارند.

«والحمد لله رب العالمین».

۱. همان، ج ۲، ص ۶۱۳.  
۲. همان، ص ۸۲۳.  
۳. همان، ص ۷۹۵.  
۴. معجم رجال الحديث، ج ۱۷، ص ۱۶۸.